

تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج (مورد مطالعه‌ی شهر هشتگرد)

حجیه بی‌بی رازقی نصرآباد* لیلا فلاح‌نژاد**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تفاوت‌های نسلی ارزش ازدواج انجام شد. داده‌ها حاصل پیمایشی است که در سال ۱۳۹۳ بر روی ۳۷۹ نفر (نسل جوان ۱۶۳ نفر، نسل میان‌سال ۱۷۵ نفر و نسل بزرگ‌سال ۴۱ نفر) در شهر هشتگرد انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد، تفاوت آماری معنی‌داری در ارزش ازدواج در نسل‌های مختلف وجود دارد و این تأثیر در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی همچنان پابرجاست. با این حال ترکیبی از ارزش‌های سنتی و مدرن در ازدواج در سه نسل وجود دارد. بیشترین تفاوت نسلی مربوط به گویه‌های معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج و سپس ازدواج با اقوام نزدیک است. در سایر ابعاد به ویژه اهمیت رضایت پدر و مادر در ازدواج، پایین بودن سن دختر از پسر و مخالفت با خواستگاری دختر از پسر دیدگاه هر سه نسل به یکدیگر نزدیک است. نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد متغیر نسل به همراه جنس، نوع رسانه و تقید به مناسک دینی رابطه‌ی معنی‌داری با ارزش ازدواج دارد. یافته‌های مقاله حاکی از این است که ازدواج در ایران و به طور خاص در شهر هشتگرد همچنان ارزشمند است.

واژگان کلیدی

نسل، ازدواج، ارزش، خانواده، تقید به مناسک دینی.

*- استادیار جمعیت‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور (نویسنده مسئول)
(hajiieh.razeghi@psri.ac.ir)

** - دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات (l_fallahnezhad@yahoo.com).
تاریخ دریافت: ۹۵/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۱۴

۱. مقدمه و بیان مسئله

بیش از نیم قرن است که جامعه‌ی ایران دست به گریبان تغییرات اجتماعی-اقتصادی و فراز و نشیب‌هایی در فرآیندهای دموگرافیک است. تجربه وقایعی نظیر انقلاب و جنگ، گسترش ارتباطات و اطلاعات و تغییراتی همچون مدرنیته و جهانی شدن، ساختارهای سنتی جامعه را به سرعت دست‌خوش تغییر قرار داده است.

بدیهی است جامعه‌ای که در مرحله‌ی گذار قرار می‌گیرد، استعداد و آمادگی بیشتری برای تولید تفاوت‌های نسلی دارد (ساروخانی و صدیقی فرد ۱۳۸۸: ۹). در حال حاضر، در جامعه‌ی ایران نسلی که تجربه‌ی جنگ و انقلاب دارد، در کنار نسلی زندگی می‌کند که این وقایع را تجربه نکرده است و این امر ممکن است در ارزش‌ها، نگرش‌ها و الگوهای رفتاری و سبک‌های زندگی نسل جوان با نسل‌های قدیمی تغییراتی ایجاد کند. علاوه بر این وقایع، گسترش سطح سواد عمومی به خصوص در زنان و افزایش تحصیلات دانشگاهی، شهرنشینی، گسترش ارتباطات، دسترسی به اطلاعات گسترده از طریق رشد رسانه‌ها و افزایش مشارکت اقتصادی و اجتماعی زنان از جمله فرآیندهای اساسی تغییرات اجتماعی است که جامعه‌ی ایران به خود دیده است (آزادارمکی ۱۳۸۶: ۶۹؛ سرایی ۱۳۸۵: ۵۳-۵۰؛ رازی نصرآباد ۱۳۹۳: ۱۳-۸؛ رازی نصرآباد و سرایی ۱۳۹۳: ۲۴۵-۲۴۷). با شتاب گرفتن روند تحولات اقتصادی و اجتماعی در کشور، الگوی سنتی خانواده نیز به تدریج تغییر کرد. افزایش سطح تحصیلات و آگاهی‌های عمومی، حق انتخاب سبک زندگی را به افراد داده و باعث شده ذهنیت‌ها و ایده‌آل‌های افراد در مورد ازدواج، طول دوران تجرد، سن مناسب برای ازدواج، نحوه انتخاب همسر و همسرگزینی از میان خویشاوندان و دوام ازدواج تغییر کند (سرایی ۱۳۸۵: ۵۳-۵۰)، به طوری که ازدواج‌های امروزی در سنین بالاتر رخ می‌دهد، روابط جنسیتی زوجین در خانواده نیز با استقلال طلبی زنان دگرگون شده و وقوع طلاق‌ها نیز ضمن تغییر ماهوی بیشتر شده است (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴: ۳۵). سیر صعودی افزایش سن ازدواج و همچنین کاهش سرعت ازدواج نسبت به طلاق طی سال‌های اخیر حکایت از این دارد که نهاد خانواده در ایران یکی از نهادهایی است که هم در ساختار و هم در کارکردهای خود از این تغییرات تأثیر شگرفی پذیرفته است، به گونه‌ای که به نظر میرسد در ایران، انتقال جمعیتی در ابعاد مختلف آن در دهه‌های اخیر با سرعت چشمگیری در حال تجربه بوده و حتی در برخی ابعاد نظیر باروری، این گذار در حال کامل شدن است و نشانه‌هایی از گذار دوم جمعیتی نیز مشاهده می‌شود (سرایی، ۱۳۸۷: ۱۳۸-۱۳۳). در حقیقت، به موازات تحولات رفتار در خانواده، هنجارها، ارزش‌ها، باورها و عقاید افراد درباره‌ی ازدواج و خانواده نیز تغییر می‌یابد و مجموعه‌ای از ارزش‌های نوین خانوادگی شکل می‌گیرد. بحث تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های مربوط به ازدواج در چارچوب تئوری تحولات ارزشی اینگلههارت و گذار

دوم جمعیتی و در فضای مدرنیته قابل بحث است. بر اساس نظر اینگلههارت، گرایش‌های جدید تا حدود زیادی در میان نسل‌های جوان‌تر نفوذ می‌کند، با جانشین شدن نسل‌های جوان‌تر به جای نسل‌های بزرگ‌تر، جهان‌بینی متداول در این جوامع دگرگون می‌شود و در نگرش‌ها و ارزش‌های مربوط به ازدواج و تشکیل خانواده نیز تغییرات اساسی اتفاق می‌افتد (اینگلههارت، ۱۳۷۳: ۷۶). در چارچوب تئوری دوم گذار جمعیتی، مشخصه‌ی ذاتی در حوزه‌ی خانواده، تغییر ارزش‌ها و رفتارها در حوزه‌ی ازدواج و فرزندآوری است (Van de kaa, 1996: 389-432) که به ارتباط تغییرات جمعیت جهان توسعه یافته با ظهور تحولات ارزشی و فرهنگی تازه‌ی اشاره دارد و در عمل نیروی خود را از طریق الگوهای نوین خانواده اعمال می‌کنند. در واقع، آنچه متمایز کننده‌ی گذار دوم جمعیتی از گذار اول جمعیتی پنداشته شده، دل‌مشغولی گسترده و فراگیر به خود تحقق‌بخشی، آزادی انتخاب فردی، توسعه‌ی شخصیت و شیوه‌های زندگی است که در ارزش‌های مربوط به ازدواج، تشکیل خانواده، نگرش نسبت به مولید و انگیزه‌های پدر و مادر شدن بازتاب یافته است. در ایران در دو دهه‌ی اخیر، تحقیقات زیادی پیرامون موضوع ازدواج انجام شده است. عمده‌ی این تحقیقات به روند تغییرات سن ازدواج معطوف بوده است و تحقیقات اندکی نگرش نسبت به ازدواج و ارزش‌های مرتبط با آن را بررسی کرده‌اند. شناخت ما از نگرش نسل‌های مختلف به ازدواج نیز اندک است. از این رو هدف اساسی این مقاله بررسی ارزش ازدواج و تفاوت آن در میان سه نسل جوان، میان‌سال و بزرگ‌سال است. سؤالات اساسی مطرح در این تحقیق عبارت است از اینکه در شرایط کنونی جامعه، ارزش‌های ازدواجی افراد چگونه است؟ آیا ازدواج همچنان برای افراد اهمیت دارد؟ آیا نسل‌های جوان نسبت به نسل‌های مسن‌تر ارزش کمتری برای ازدواج قائل‌اند؟

میدان مطالعه‌ی این تحقیق شهر قدیم هشتگرد از شهرهای استان البرز است. در دو دهه‌ی اخیر، این شهر شاهد رشد شاخص‌هایی همچون صنعتی شدن، شهرنشینی، رشد و گسترش مراکز آموزش عالی، باسوادی، جوانی جمعیت، گسترش وسایل ارتباط جمعی، مهاجرت گسترده از شهرهای اطراف، رشد طبقات متوسط فرهنگی و اقتصادی، مجاورت با شهر جدید هشتگرد به عنوان یک شهر نو پا با فرهنگ جدید و خاص شهرنشینی و ... بوده است. چنین تغییرات و شاخص‌هایی در نگرش‌های گروه‌های نسلی بی‌تأثیر نیست و انتظار می‌رود این تحولات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بیش از همه‌ی گروه‌ها دامن جوانان را بگیرد و به تغییر نگرش‌ها و ارزش‌های آنها در خصوص ازدواج با نسل‌های پیشین منجر شود.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

یکی از حوزه‌های مهم تحقیقات اجتماعی، بررسی تغییرات در ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای ازدواجی است که به واسطه‌ی رابطه‌ی دو سویه‌ی آن با بسیاری از عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در سال‌های اخیر، کانون توجه بسیاری از محققان علوم اجتماعی بوده است. در اینجا به برخی از این مطالعات اشاره می‌شود.

چاو و همکاران در مطالعه‌ی درباره‌ی ارزش‌ها و نگرش‌های ازدواج در شانگهای نشان دادند، سن، جنس، مکان جغرافیایی و موقعیت اقتصادی - اجتماعی از عوامل مؤثر در نگرش‌های مدرن به ازدواج هستند (Chow & Lum, 2008)

استرانگ (۲۰۰۸: ۳۲۲) در کتاب *تجارب ازدواج و خانواده می‌نویسد*: «بهترین راه برای درک اینکه چه بر سر ازدواج آمده یا می‌آید، مفهوم ازدواج غیررسمی است. غیررسمی شدن به معنی کم‌رنگ شدن هنجارهای اجتماعی است که رفتار مردم را در رسوم معمول جامعه مانند ازدواج تعریف می‌کنند. در نتیجه تحولات گسترده‌ی اجتماعی افراد قادر نیستند به درک مطلوبی از ازدواج و چگونگی رویارویی با آن برسند» (استرانگ ۲۰۰۸ به نقل از کاظمی پور، ۱۳۸۸: ۸۱).

بوالهری و همکاران در مطالعه‌ی نگرش دانشجویان مجرد رشته‌ی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران در مورد ازدواج را بررسی می‌کردند. نتایج نشان داد نگرش دانشجویان در مورد ازدواج مثبت است و در متغیرهای سن، وضعیت اقتصادی - اجتماعی، محل سکونت، مقطع تحصیلی و اقدام به انتخاب همسر تفاوت معنی‌داری وجود دارد. یافته‌ها نشان داد که گروه سنی ۲۶-۳۰ سال، گروه کم درآمد، گروه کارورز، دانشجویان شهرستانی و گروهی که برای انتخاب همسر اقدام کرده بودند نگرش مثبت‌تری نسبت به ازدواج داشتند. همچنین یافته‌ها نشان داد که دانشجویان مورد بررسی، به آشنایی با همسر و رابطه‌ی قبلی با همسر آینده تمایل بالایی داشتند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که دانشجویان نگران آن هستند که درباره‌ی انتخاب همسر اشتباه کنند و تصمیم‌گیری ایشان بر پایه‌ی ویژگی‌های واقعی همسر آینده‌شان نباشد (بوالهری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱۵-۱۱۳).

جمشیدیها و همکاران در مطالعه‌ی خود به شناخت وضعیت کنونی خانواده‌ی ایرانی از منظر کنشگران اجتماعی پرداخته و تأثیر ویژگی‌های جامعه‌ی مدرن در تحولات خانواده در تهران، نحوه‌ی مواجهه‌ی خانواده‌ی ایرانی با این دگرگونی‌ها و میزان بروز، ظهور و اشاعه‌ی ویژگی‌های خانواده‌ی مدرن غربی در خانواده‌ی ایرانی را بررسی کرده‌اند. یافته‌ها مؤید این مطلب است که میزان تأثیرپذیری خانواده از ویژگی‌های جامعه‌ی مدرن از جمله افزایش تحصیلات، اشتغال زنان در مشاغل جدید، افزایش فردگرایی، رشد و بسط عاملیت، پای‌بند نبودن به سنت‌ها، افزایش فرصت‌ها و بهره‌گیری از تکنولوژی‌های مدرن ارتباطی در شکل‌گیری این دگرگونی‌ها نقش

عمده‌ای داشته‌اند. همچنین یافته‌های این پژوهش از عرفی شدن بخش زیادی از رفتارهای درون خانواده، تکثر منابع معنابخش به کنش‌های افراد، کاهش نقش آموزه‌های دینی در شکل دادن به کنش‌ها و روابط درون خانواده و جایگزینی ارزش‌های فردگرایانه به جای ارزش‌های جمع‌گرایانه در خانواده‌های مدرن حکایت دارد (جمشیدیها و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۶-۱۹۱).

سرایبی و او جاقلو تحقیقی با عنوان مطالعه‌ی نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران: مطالعه‌ی موردی زنان شهر زنجان انجام دادند. در این مطالعه، برای سنجش ارزش ازدواج از اجزا و عناصری چون تغییر نگرش نسبت به ازدواج و خانواده، ارزش سن ازدواج بالا، ارزش مجردگرایی، ارزش دوام ازدواج، ارزش فرزندآوری خارج از ازدواج، ارزش ازدواج‌های مبتنی بر عشق و انتخاب، معیارهای خانواده برای ازدواج استفاده شده است. در این تحقیق تأثیر جهانی شدن، فردگرایی و دینداری در ارزش‌های ازدواج بررسی شده است. بالاترین سطح ارزش ازدواج مربوط به نسل متولدین سال‌های قبل از ۱۳۴۲ - که گروه سنی بالای ۵۰ سال را تشکیل می‌دهند - و پایین‌ترین سطح ارزش در بین نسل متولدین سال‌های ۶۷ تا ۷۰ است. یافته‌ها نشان داد، تجربه‌ی جهانی شدن تأثیر منفی و معکوس در ارزش ازدواج دارد. دینداری تأثیر مثبت و مستقیم در ارزش ازدواج دارد بدین معنی که هر چه دینداری بیشتر می‌شود، ارزش ازدواج نیز بیشتر می‌شود و تأثیر این رابطه در نسل‌های قبل از ۴۲ تا ۵۷ قوی‌تر و شدیدتر از نسل‌های بعدی است و بین فردگرایی و ارزش ازدواج رابطه‌ی معنی‌داری مشاهده نشد (سرایبی و جاقلو، ۱۳۹۲: ۳۷-۳۴).

نقیبی و حمیدی در پژوهشی نگرش جوانان در مورد ازدواج را در شهر قائم‌شهر بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد، در بین عوامل اقتصادی متغیر شاغل بودن، در عوامل اجتماعی متغیر مسئولیت‌پذیری طرفین، در عوامل فردی متغیر نیافتن فرد مناسب و در عوامل فرهنگی متغیر اعتقادات مذهبی اهمیت بیشتری داشتند (نقیبی و حمیدی، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۶۱).

عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه‌ی تفاوت‌ها و تغییرات بین نسلی در ارزش‌ها و نگرش‌های مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده را در بین دو نسل مادران و دختران را در شهر یزد مقایسه کردند. مقایسه و تحلیل بین نسلی نگرش‌ها، حاکی از این بود که هم جوانان و هم نسل مادران نگرشی منفی و مخالف نسبت به مجرد دارند. در زمینه شیوه انتخاب همسر، اکثریت پاسخ‌گویان از هر دو نسل، بر کسب شناخت کافی زوجین نسبت به یکدیگر تأکید دارند، ولی در بین نسل جوان تمایل و تأکید بیشتری در این زمینه وجود دارد. دختران به مراتب کمتر از مادرانشان موافق ازدواج خویشاوندی بوده‌اند و در مقابل، نظر مساعدتری نسبت به ازدواج‌های غیرخویشاوندی ابراز داشته‌اند. مقایسه نگرش‌های دو نسل در مورد فاصله زمانی بین شروع زندگی زناشویی و تولد اولین فرزند، حاکی از شکاف بین نسلی قابل ملاحظه‌ای در نگرش‌ها بود و نسل

جوان تر گرایش بیش تری به افزایش فاصله گذاری بین زمان ازدواج و تولد اول داشتند. چنین تفاوت های بین نسلی در نگرش های ازدواج می تواند هم ناشی از تغییرات ایده ایی و هم ناشی از تفاوت های نسلی در مشخصه های اقتصادی - اجتماعی از جمله آموزش، اشتغال و خاستگاه شهری باشد (عسکری ندوشن و همکاران ۱۳۸۸: ۳۰-۱۸).

مروری بر تحقیقات انجام شده درباره ی نگرش و ارزش ازدواج نشان می دهد، گرچه تحقیقات در حوزه ی نگرش و تمایلات به ازدواج در سال های اخیر افزایش یافته است، اما بسیاری از آنها تنها به توصیف نگرش پاسخ گویان به ازدواج پرداخته و کمتر به تبیین تغییرات پرداخته اند علاوه بر آن، در این مطالعات به استثنای مطالعه ی سرایی و اوجاقلو (۱۳۹۲) و عسکری ندوشن و همکاران (۱۳۸۸) به تفاوت های نسلی درباره ی ارزش ازدواج کمتر توجه شده است. با توجه به اینکه ارزش ها و نگرش ها یکباره شکل نمی گیرند و در گذر زمان در تعامل با سایر وقایع حاصل می شوند و تحت تأثیر عوامل زمینه ای و فرهنگی برخی ابعاد ارزشی ازدواج محفوظ باقی می ماند، برخی ابعاد دیگر ممکن است تغییر کند. شناسایی این تغییرات با بررسی نسلی ارزش ها ممکن می شود. همچنین در این مطالعه، ضمن بررسی تفاوت نسل های مختلف در مشخصه های اجتماعی و فرهنگی، تفاوت نسلی در زمینه ی ارزش ازدواج با در نظر گرفتن این مشخصه ها تحلیل می شود که می تواند نتایج کاربردی تری ارائه دهد.

۳. مبانی و چارچوب نظری پژوهش

یکی از مهم ترین نظریه های که در سطح وسیعی از تحقیقات برای شناخت روند و تعیین کننده های الگوهای تشکیل خانواده استفاده شده، نظریه ی مدرنیزاسیون است. بر اساس این نظریه، بین صنعتی شدن و فرآیندهای دگرگونی اجتماعی - سیاسی همبستگی وجود دارد. اگر همه ی جوامع در مسیر صنعتی شدن گام بردارند، الگوی جامعه ی مدرن و صنعتی را خواهند داشت. توسعه ی اقتصادی نشانه هایی از دگرگونی را به همراه می آورد که نه فقط صنعتی شدن بلکه شهرنشینی، آموزش و پرورش همگانی، تخصصی شدن مشاغل و توسعه ی ارتباطات را در برمی گیرد و این پدیده ها به نوبه ی خود با دگرگونی های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی پیوند دارد. این نظریه با تأکید بر تغییرات ساختی و گذار از اقتصاد کشاورزی به اقتصاد صنعتی، تغییر الگوهای ازدواج و باروری را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به جهت ظهور نیروهای جدید اجتماعی و سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی مرتبط می کند. بر این اساس تحولات ازدواج و خانواده به عنوان سازگاری نظام مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی تغییر یافته، در نظر گرفته می شود (عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۷). در فرآیند مدرنیزاسیون، افراد به دنبال حداکثر سود

و منفعت فردی خود هستند. بر اساس این تئوری، به دلیل فروپاشی ترتیب‌های سنتی حاکم بر زندگی روزمره‌ی افراد همراه با استقرار سبک‌های نوین زندگی شهری و صنعتی، انگیزه‌ی افراد برای تشکیل خانواده و فرزندآوری تغییر می‌کند. به عبارتی هم‌زمان با این تحولات، نوعی انطباق در الگوهای تشکیل خانواده با شرایط جدید رخ می‌دهد.

ویلیام گود^۱ (۱۹۶۳) در نظریه‌ی هم‌گرایی خانواده، ایده‌ی انقلاب جهانی در الگوهای خانواده را مطرح می‌کند. گود بر این باور است که در جوامع مختلف به عنوان نتیجه‌ی فرآیند متداول جهانی مدرنیزاسیون، صنعتی شدن و شهرنشینی، تفاوت‌ها در سنت‌های اجتماعی از میان برداشته می‌شود و جامعه‌های مدرن به شکلی هم‌گرا و با ویژگی‌های کم و بیش یکسانی با هم شباهت پیدا می‌کنند. وی اظهار داشت، همان‌گونه که خانواده با شرایط زندگی مدرن وفق می‌یابد و زنان در فعالیت‌های غیرخانگی مشارکت می‌کنند، ممکن است الگوی مشابهی در فرآیند شکل‌گیری خانواده همچون آزادی در انتخاب همسر، ازدواج در سنین بالاتر، فرزندآوری در سن بالاتر و طول سالیان کمتر، تعداد فرزندان کمتر نمایان شود. در جریان نوسازی، بسیاری از کارکردهای قدیمی خانواده به سازمان‌ها و نهادهای دیگر واگذار می‌شود. در نتیجه خانواده به واحد هسته‌ای قائم بر فردگرایی تبدیل می‌شود. بدین معنی که خود فرد بخش عمده‌ای از تصمیمات مربوط به زندگی اعضای خانواده - مانند تصمیم‌گیری در مورد تشکیل خانواده و ازدواج - را اتخاذ می‌کند.

نظریه‌ی دیگری که برخی مطالعات در چارچوب آن تحولات خانواده و رفتارهای ازدواجی افراد را بررسی کردند تئوری گذار دوم جمعیتی است. در پیشینه‌ی مطالعاتی گذار دوم جمعیتی، دو ویژگی جمعیت‌شناختی، باروری زیر سطح جانشینی و سن بالای افراد به هنگام ازدواج به عنوان اولین نشانه‌های انتقال دوم جمعیتی مشاهده شده است (Ravanera & et al, 1999: 99-118). مظاهر اصلی تحولات خانواده نیز در تئوری دوم گذار جمعیتی شامل افزایش میزان‌های طلاق، گسترش آزادی جنسی، کاهش باروری، افزایش سن ازدواج، افزایش میزان هم‌خانگی و رواج فرزندآوری خارج از حیطه ازدواج است (Ravanera & et al, 1999: 99-118) که به ارتباط تغییرات جمعیتی با تحولات ارزشی و فرهنگی اشاره دارد نتیجه آن ظهور الگوهای نوین خانواده است. «هر چند نظریه‌ی گذار دوم جمعیتی به عنوان یک چارچوب تبیینی بر نقش تغییرات فرهنگی و عوامل نگرشی در تغییر رفتارها و ایده‌آل‌ها نظیر رشد فرد گرایی، سکولاریزم یا اشاعه‌ی ایده‌ها و ارزش‌های غربی جهت تحلیل تحولات رفتارهای جمعیتی و الگوهای نوظهور خانواده در کشورهای پیشرفته‌ی غربی مطرح شده است و میزان صدق آن در جوامع پیرامونی نظیر ایران به دلیل وابسته و برون‌زا بودن تغییرات باید ضعیف‌تر باشد، ولی به دلیل تغییراتی که در طول چند

دهه‌ی اخیر به موازات انقلاب الکترونیکی در سطح جامعه، فرهنگ و تکنولوژی سایر کشورهای پیرامونی (از جمله ایران) ایجاد شده، می‌تواند با تعدیل‌هایی به کار گرفته شود» (سرای، ۱۳۸۷: ۱۳۹). درباره‌ی مفهوم نسل‌ها نیز صاحب‌نظران مختلفی اظهارنظر کرده‌اند. ما نه‌ایم از جمله اولین نظریه‌پردازانی است که مفهوم نسل را وضع کرد. وی با ارتباط دادن نسل به عنوان موقعیتی جمعی با رشد تفکر در جوامع مدرن، آن را به صورت تاریخی - اجتماعی صورت‌بندی می‌کند. جامعه‌شناسی نسلی ما نه‌ایم با تأکید بر مفهوم «واحد نسلی»^۱ که به معنای گروه سنی - زیستی است، چندین ویژگی دارد: هر نسلی در جریان اجتماعی و تاریخی موقعیت مشترکی دارد که حوزه‌های کسب تجربه‌ی نسل را تعیین می‌کند؛ بر اساس طبقه‌بندی‌های اقتصادی - اجتماعی هر نسلی سرنوشت و علقه‌ی مشترکی دارند؛ هر نسلی هویت واحد بر اساس تجربه‌ی مشترک دارند (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۳۰-۲۸؛ یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۱). از نظر ما نه‌ایم واحد نسلی، واحدی اجتماعی است با ساختار مشترک، سیستم ظرفیتی مشترک، خودآگاهی مشترک و کنش متقابل اجتماعی در میان اعضا، که در این میان ما نه‌ایم بر دگرگونی نسلی تأکید ویژه‌ای دارد. آنچه اختلاف واحدهای نسلی را افزایش می‌دهد، دگرگونی‌های سریعی است که در حوزه‌های اجتماعی - سیاسی و فکری رخ می‌دهند. بنابراین از نظر ما نه‌ایم، دگرگونی و افزایش ستیزه بین نسل‌ها رابطه‌ای متقابل دارند، بدین معنی که دگرگونی به تشدید ستیزه بین نسل‌ها می‌انجامد (لاور، ۱۳۷۳: ۱۹۰). گیدنز نسل‌ها را هم‌دوره‌ای‌های اجتماعی می‌داند که در طول زمان ترسیم شده‌اند. بنابراین همان‌گونه که زمان می‌گذرد و با جریان آن نسل‌های متفاوت شکل می‌گیرند، می‌توان تحولات زمان را هم مؤید و عامل نسل‌های متفاوت دانست. گیدنز با پیوند دادن زمان و مکان با هم به تمایزات مهمی در میان نظم سنتی و نظم مدرن اشاره می‌کند. فاصله‌گیری زمانی - مکانی یکی از ویژگی‌های مدرنیته است که با خلق ارتباطات پیچیده و گسترده بر زندگی روزمره‌ی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. در چنین شرایطی نسل‌ها در معرض تجربه‌های جهانی قرار می‌گیرند. در تفکر گیدنز نسل پیش از آنکه متغیر مستقل باشد، متغیری وابسته است که از تحولات گوناگون تکنولوژیکی، اطلاعاتی، سیاسی و فرهنگی متأثر می‌شود و در همان حال در زمینه‌های محلی و بازاندیشی زندگی خویش تأثیر می‌گذارد (کسل، ۱۳۸۴: ۲۹۳-۲۹۰). یکی از مفاهیم اساسی مطرح گیدنز مفهوم «بازاندیشی»^۲ است. بازاندیشی یکی از ویژگی‌های مدرنیته و زمینه‌های معرفتی انسان مدرن است. نسل‌های جدید مدام در پی بررسی و سنجش زندگی خویش و تعاملات و صورت‌بندی

1- Generation unit

2- Reflexivity

هویتی خویش هستند. اینگلهارت با طرح نظریه‌ی دگرگونی ارزش‌ها به چگونگی و چرایی تغییرات و تحولات فرهنگی و ارزش‌ها و نگرش‌های جوامع پرداخته است. وی سیر تطور و تکامل جوامع را همانند بسیاری از نظریه‌پردازان مدرنیزاسیون، سنتی، مدرن و پست‌مدرن می‌داند. اینگلهارت اعتقاد دارد که در چند دهه‌ی گذشته میزان حمایت از هنجارهای سنتی فرهنگی کاسته شده است و پیامدهای آن در کاهش ازدواج، افزایش میزان طلاق، سقط جنین و ... تظاهر یافته است. در سرتاسر جامعه‌ی پیشرفته‌ی صنعتی شواهدی دال بر فاصله‌ی میان مردم و هنجارهای فرهنگی و مذهبی سنتی وجود دارد. زوال ظاهری هنجارهای اجتماعی و مذهبی سنتی با تحول از ارزش‌های مادی به فرامادی در ارتباط است (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۲۳۴). از دید اینگلهارت، فرامادیون کمتر از دواج می‌کنند و کمتر به داشتن بچه علاقه نشان می‌دهند (همان: ۹۹). شواهد گسترده در جوامع غربی حاکی از یک تغییر بین‌نسلی به سمت تأکید فزآینده بر ارزش‌های خودشکوفایی، سعادت ذهنی^۱ و کیفیت زندگی است. این بعد نشانگانی از اعتمادآ، بردباری^۲، سعادت ذهنی، فعالیت‌های سیاسی و خودشکوفایی را منعکس می‌کند که در جوامع پساصنعتی با سطوح بالای امنیت همراه است. در طرف مقابل، در جوامع سنتی، افراد در جوامع با ناامنی و سطوح پایین رفاه به تأکید بر اهداف امنیت اقتصادی و جانی در صدر همه‌ی اهداف و نیازهای دیگر تمایل دارند و از تغییرات فرهنگی احساس تهدید می‌کنند. این قضایا به ناشکیبایی^۳ در برابر همجنس‌بازی، روابط نامشروع جنسی و دیگر ناهنجاری‌ها نسبت به معیارهای سنتی منجر می‌شود، بر نقش‌های جنسیتی سنتی نیز تأکید می‌کند (Inglehart, 2000: 25).

رایزمن تفاوت‌های نسلی ارزش‌ها را متأثر از رسانه‌ها می‌داند. از نظر او امروزه رسانه‌های جمعی توسعه پیدا کرده و موجب از بین رفتن مرزهای فیزیکی جوامع شده‌اند. استفاده از رسانه‌های جمعی در این دنیای جهانی شده عامل اختلاف و تفاوت نسلی است. مطابق نظریه‌ی رایزمن در دوره‌ای از تاریخ سنت‌ها حاکمیت داشتند و پیوند بین نسل‌ها با نسل‌های پیشین خود از طریق سنت‌ها برقرار می‌شد، در حالی که امروزه در تاریخ زندگی بشر دوره‌ای حاکم شده که دوره‌ی حاکمیت قوی رسانه‌های ارتباط جمعی است. در یک جامعه‌ی در حال گذار، معمولاً جوانان ارزش‌های سنتی را تغییر می‌دهند. در این دوره، جوانان با تأثیرپذیری از رسانه‌ها ارزش‌های پیشین خود را کنار گذاشته و ارزش‌های جدید را جایگزین آنها می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۳).

1- Subjective Well-Being

2- Trust

3- Tolerance

4- Intolerance

در مجموع بر اساس مبانی نظری فوق گسترش عناصر نوسازی و حرکت جوامع از سنتی به مدرن و پسامدرن، به تغییراتی در ارزش‌های افراد منجر شده است، به گونه‌ای که نسلی که از مظاهر مدرن بیشتر و از وضعیت رفاه بالاتری برخوردار هستند، به ارزش‌های سنتی خانوادگی و معیارهای سنتی کمتر تأکید می‌کنند.

۴. روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق حاصل پیمایشی است که در سال ۱۳۹۳ در شهر هشتگرد استان البرز انجام شد. اطلاعات از طریق پرسش‌نامه‌ی ساخت‌یافته گردآوری شد. جمعیت آماری شامل کلیه‌ی افراد ۱۸ سال به بالا ساکن در شهر هشتگرد است که بر اساس نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۰، ۳۱۵۸۲ نفر می‌باشند. با استفاده از فرمول حجم نمونه‌ی کوکران و پذیرش خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ تعداد ۳۷۹ نفر به عنوان حجم نمونه برآورد شد. با توجه به هدف مطالعه، نمونه‌ی به دست آمده بایستی به سه گروه جوان (۱۸ تا ۲۹ سال)، میان‌سال (۳۰ تا ۵۵ سال) و بزرگ‌سال (۵۶ سال به بالا) تقسیم می‌شد. از این رو با استفاده از روش نمونه‌گیری تخصیص متناسب با حجم نمونه^۱، نمونه‌هایی متناسب با جمعیت در این گروه‌های سنی انتخاب شدند. بدین ترتیب ۱۶۳ نفر گروه‌های سنی ۱۸ تا ۲۹ سال به عنوان نسل جوان، ۱۷۶ نفر در گروه‌های سنی ۳۰ تا ۵۵ سال به عنوان نسل میان‌سال و ۴۱ نفر از گروه‌های سنی ۵۶ سال و بالاتر به عنوان نسل بزرگ‌سال در نظر گرفته شد. واحد تحلیل فرد و روش نمونه‌گیری به صورت نمونه‌گیری چند مرحله‌ای است؛ یعنی در مرحله‌ی اول به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای است. به این صورت که با در نظر گرفتن متغیر پراکندگی جغرافیایی کل شهر به پنج قسمت شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد. در داخل هر یک از خوشه‌ها از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای استفاده شد و بر اساس تعداد بلوک‌های هر خوشه، سهمیه‌ی هر خوشه مشخص شد. در واقع، در هر یک از خوشه‌ها تعداد ۱۳ تا ۱۷ بلوک به روش تصادفی سیستماتیک و در مجموع ۷۵ بلوک انتخاب شد. در داخل بلوک‌ها، به انتخاب ساختمان‌ها (پلاک‌های مسکونی) و در نهایت خانوار اقدام شد. انتخاب ساختمان‌ها عموماً بر این اساس آغاز شد که پرسش‌گر به ضلع جنوب شرقی بلوک مراجعه و اولین خانه را انتخاب و مصاحبه انجام می‌شد، منازل بعدی با استفاده از یک رقم تصادفی برای فاصله‌گذاری از منزل قبلی و شمارش پلاک‌ها انجام شد.

متغیر وابسته در این پژوهش ارزش ازدواج است که با شش گویه معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج، خواستگاری دختر از پسر، تأخیر افتادن سن ازدواج، بالاتر بودن سن دختر نسبت به پسر در ازدواج، ازدواج با اقوام نزدیک و رضایت پدر و مادر در انتخاب همسر سنجیده شده است. این گویه‌ها در سطح لیکرت پرسیده شده‌اند. از مجموع نمرات به دست آمده، نمره‌ی متغیر ارزش فرزند سنجیده می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ به دست آمده ۰/۸۱ است که نشان می‌دهد، ضریب پایایی به دست آمده برای شاخص مورد نظر در حد بالاست و به این ترتیب می‌توان گفت که ابزار سنجش تحقیق قابلیت اعتماد و یا پایایی لازم را دارد.

متغیر تقید به مناسک دینی با گویه‌های تمایل به رفتن به مجالس روضه‌خوانی، رفتن به مسجد برای نماز جماعت، رفتن به زیارت اماکن مذهبی، نذر و نیاز و شرکت در دعای کمیل سنجیده شده و مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰/۷۰ و مقبول است. شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی از مجموع متغیرهایی مانند تحصیلات پاسخ‌گو و پدر و مادر وی، وضعیت اشتغال، پرستیز شغلی و مساحت تقریبی منزل مسکونی به دست آمده است. نمرات هر یک از این متغیرها به نمره‌ی استاندارد تبدیل شده و از مجموع آنها نمره‌ی پایگاه اقتصادی - اجتماعی فرد محاسبه شد.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. تفاوت‌های نسلی در مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی

مشخصه‌های اجتماعی - جمعیتی پاسخ‌گویان در جدول شماره‌ی (۱) ارائه شده است. حدود ۵۳/۴ درصد از پاسخ‌گویان نسل جوان مرد و ۵۲/۵ درصد از میان‌سالان مرد بوده‌اند. این در حالی است که بر خلاف دو نسل دیگر، در نسل بزرگسال، نسبت پاسخ‌گویان زن (۵۶/۱ درصد) بیشتر از پاسخ‌گویان مرد بوده است. ۳۱/۳ درصد از پاسخ‌گویان نسل جوان، ۹۲/۶ درصد از پاسخ‌گویان نسل میان‌سال و تمامی پاسخ‌گویان نسل بزرگسال متأهل بوده‌اند. دو سوم از پاسخ‌گویان نسل جوان متولد شهر و ۸۷/۸ درصد از پاسخ‌گویان نسل بزرگسال متولد روستا بودند.

جدول (۱). توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب متغیرهای زمینه‌ای

متغیر	طبقات	جوان		میان‌سال		بزرگ‌سال	
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
جنس	مرد	۵۳/۴	۸۵	۵۲/۵	۱۸	۴۳/۹	۱۸
	زن	۴۶/۶	۷۷	۴۷/۵	۲۳	۵۶/۱	۲۳
محل تولد	شهر	۷۶/۷	۶۸	۴۲	۵	۱۲/۲	۵
	روستا	۲۳/۳	۳۸	۵۸	۳۶	۸۷/۸	۳۶
وضعیت تأهل	مجرد	۶۸/۷	۱۱۲	۷/۴	۰	۰	۰
	متاهل	۳۱/۳	۵۱	۹۲/۶	۴۱	۱۰۰	۴۱
سطح تحصیلات	ابتدایی و کمتر	۰	۰	۴۷	۳۲	۷۸	۳۲
	راهتمایی	۰	۰	۲۲	۶	۱۴/۶	۶
	متوسطه و دیپلم	۱۹	۳۱	۲۴/۶	۲	۴/۹	۲
	دانشگاهی	۸۱/۰	۱۳۲	۶۳	۱	۲/۴	۱
وضعیت اشتغال	شاغل	۳۶/۲	۵۹	۶۳	۵	۱۲/۲	۵
	غیر شاغل	۶۳/۸	۱۰۴	۳۷	۳۶	۸۷/۸	۳۶
نوع رسانه	تلویزیون	۴۹/۷	۸۱	۶۷/۴	۳۲	۷۸	۳۲
	رادیو	۳/۱	۵	۱۳/۱	۸	۱۹/۵	۸
	اینترنت	۳۸/۷	۶۳	۸/۶	۰	۰	۰
	ماهواره	۲/۵	۴	۲/۹	۰	۰	۰
	مطبوعات	۶/۱	۱۰	۸	۱	۲/۴	۱
کل		۱۰۰	۱۶۳	۱۰۰	۱۷۵	۱۰۰	۴۱

تحلیل نسلی متغیر تحصیلات نشان می‌دهد که مسیر تغییرات در سطح تحصیلات افزایشی بوده است و هر چه در سطوح نسلی جلو می‌رویم به طور معناداری از درصد افراد در سطوح تحصیلی پایین، کاسته شده و به سطح بعدی افزوده شده است. در نسل جوان ۸۰ درصد از پاسخ‌گویان تحصیلات دانشگاهی دارند. در حالی که در نسل میان‌سال ۲۶/۹ درصد تحصیلات ابتدایی، ۲۴/۶ درصد متوسطه و ۳۶ درصد تحصیلات دانشگاهی داشتند، اما در نسل بزرگ‌سال بیش از دو سوم از پاسخ‌گویان تحصیلات ابتدایی و کمتر داشتند.

به لحاظ تقید به انجام دادن مناسک مذهبی دامنه‌ی نمرات بین ۵ تا ۲۵ است. بالاترین نمره متعلق به نسل بزرگ‌سال و کمترین نمره مربوط به نسل جوان است. نسل بزرگ‌سال از این لحاظ در سطح بالا و دو نسل دیگر در سطح متوسط قرار دارند. به لحاظ پایگاه اقتصادی - اجتماعی نسل جوان پایگاه بالاتری دارند. این گروه به جهت داشتن سطح تحصیلات بالاتر خود و والدینشان نسبت به نسل‌های پیشین پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتری دارند (جدول ۲).

جدول (۲). میانگین نمرات مشخصه‌های اجتماعی در سه نسل جوان، میان‌سال و بزرگ‌سال

متغیر	جوان	میان‌سال	بزرگ‌سال	مقدار F	سطح معنی‌داری
تقید به مناسک مذهبی	۱۵/۶۳	۱۷/۳۳	۱۹/۸۰	۱۴/۲۴	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی اجتماعی	۱۰/۶۳	۸/۱۲	۶/۷	۷۲/۶۶	۰/۰۰۰

۵-۲. تفاوت‌های نسلی در ارزش ازدواج

همان‌گونه که پیشتر توضیح داده شد، متغیر ارزش ازدواج با ۶ گویه معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج، خواستگاری دختر از پسر، تأخیر افتادن سن ازدواج، بالاتر بودن سن دختر نسبت به پسر در ازدواج، ازدواج با اقوام نزدیک و اهمیت رضایت پدر و مادر در انتخاب همسر سنجیده شده است. جدول شماره‌ی ۳ توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب ارزش ازدواج را در سه نسل جوان، میان‌سال و بزرگ‌سال نشان می‌دهد. درحالی‌که تنها ۱۷ درصد از نسل بزرگ‌سال با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج موافق‌اند، در نسل جوان بیش از ۸۰ درصد با این گویه موافق بوده‌اند. در خصوص ازدواج با اقوام نزدیک نیز ۶۰ درصد از نسل بزرگ‌سال و تنها ۷ درصد از نسل جوان با ازدواج با اقوام نزدیک موافق‌اند. در مورد اهمیت رضایت پدر و مادر در ازدواج، تفاوتی بین نسل‌های مختلف دیده نمی‌شود و هر سه نسل رضایت پدر و مادر در ازدواج را بسیار مهم تلقی کرده‌اند. با تأخیر ازدواج به سنین بالا و خواستگاری دختر از پسر تنها ۱۳ و ۱۴ درصد به ترتیب در نسل جوان موافق‌اند. به لحاظ نگرش افراد در خصوص بالاتر بودن سن دختر نسبت به سن پسر در ازدواج نیز تفاوت اندکی در نسل‌های مختلف مشاهده می‌شود و درصد بسیار کمی با این گونه ازدواج موافق‌اند. در مجموع به نظر می‌رسد، بیشترین تفاوت نسلی در ارزش‌های ازدواج مربوط به گویه‌های معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج و سپس ازدواج با اقوام نزدیک است.

جدول (۳). توزیع نسبی پاسخ‌گویان برحسب ارزش ازدواج

ویژگی گویه‌ها	نسل	کاملاً مخالف	مخالف	بی‌نظر	موافق	کاملاً موافق
معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج	جوان	۰/۶	۳/۷	۹/۸	۵۵/۲	۳۰/۷
	میان‌سال	۰/۶	۳/۴	۳۰/۹	۵۲/۵	۱۲/۶
	بزرگ‌سال	۹/۸	۱۹/۵	۵۳/۷	۱۷/۱	۰
ازدواج با اقوام نزدیک	جوان	۲۷	۲۷/۶	۳۸/۷	۶/۱	۰/۶
	میان‌سال	۱۶/۶	۱۸/۸	۴۲/۳	۱۶/۶	۵/۷
	بزرگ‌سال	۲/۴	۴/۹	۳۱/۷	۵۳/۷	۷/۳
اهمیت رضایت پدر و مادر در ازدواج	جوان	۰	۰	۰/۶	۳۳/۱	۶۶/۳
	میان‌سال	۰/۶	۲/۹	۳/۶	۱۳/۷	۷۹/۴
	بزرگ‌سال	۰	۰	۲/۴	۷/۳	۹۰/۲
خواستگاری دختر از پسر	جوان	۲۲/۷	۲۵/۲	۳۸	۱۱	۳/۱
	میان‌سال	۳۸/۹	۳۲/۵	۱۶/۶	۷/۴	۴/۶
	بزرگ‌سال	۶۳/۴	۲۹/۳	۷/۳	۰	۰
تأخیر افتادن سن ازدواج	جوان	۲۳/۳	۲۹/۴	۳۳/۷	۱۲/۹	۰/۶
	میان‌سال	۴۰/۶	۳۳/۱	۱۵/۴	۸	۲/۹
	بزرگ‌سال	۵۲/۷	۳۹	۷/۳	۰	۰
بالا تر بودن سن دختر نسبت به پسر در ازدواج	جوان	۴۶	۲۸/۸	۲۱/۵	۳/۱	۰/۶
	میان‌سال	۵۸/۹	۲۶/۳	۲/۹	۶/۹	۵/۱
	بزرگ‌سال	۷۰/۷	۲۴/۴	۴/۹	۰	۰

با توجه به اینکه دامنه‌ی نمرات میانگین شاخص ارزش ازدواج بین ۶ تا ۳۰ قرار دارد؛ پاسخ‌گویی که نمره‌ی ۶ را کسب کند بیشترین موافقت را با ارزش‌های سنتی ازدواج دارد، برعکس کسی که نمره‌ی ۳۰ را کسب کند جهت‌گیری بسیار مدرنی به ازدواج دارد و به ارزش‌های سنتی خانوادگی کمترین اهمیت را می‌دهد. در این مطالعه، بالاترین نمره‌ی شاخص ارزش ازدواج متعلق به نسل جوان است. به عبارتی نسل جوان نسبت به نسل‌های پیشین خود کمتر به ارزش‌های سنتی

ازدواج اهمیت می‌دهد. البته چنانچه نمرات شاخص به سه سطح پایین، متوسط و بالا تقسیم شود، نمرات ۶ تا ۱۴ سطح پایین و ارزش‌های سنتی ازدواج، نمرات ۱۵ تا ۲۳ سطح متوسط و ترکیبی از ارزش‌های سنتی و مدرن و نمرات ۲۴ تا ۳۰ سطح بالا و ارزش‌های مدرن ازدواج را نشان می‌دهند. از این منظر نمره‌ی هر سه نسل در سطح متوسطی قرار می‌گیرد. بنابراین اگر چه تفاوت‌های معنی‌داری بین نسل‌های مختلف وجود دارد، ولی هر سه نسل ارزش ترکیبی (سنتی-مدرن) در ازدواج دارند (جدول ۴).

جدول (۴). میانگین ارزش ازدواج بر حسب نسل در شهر هشتگرد ۱۳۹۳

نگرش به ازدواج	مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	درجه‌ی آزادی	سطح معنی‌داری
جوان	۱۶۳	۱۷/۷۱	۲/۶	۸/۲۷	۳۶۵	۰/۰۰۰
میان‌سال	۱۶۲	۱۷/۰۴	۳/۶			
بزرگ‌سال	۴۱	۱۵/۵۶	۲/۰۴			
کل	۳۶۶	۱۷/۱۷	۳/۱			

جدول شماره‌ی ۵ نتایج آزمون اختلاف میانگین ارزش ازدواج بر اساس جنس، محل تولد و نوع رسانه را نشان می‌دهد. بر این اساس در ارزش ازدواج نسل جوان و بزرگ‌سال تفاوت معنی‌داری بین دو جنس مشاهده نمی‌شود ($t=۳/۶۱, p > ۰/۰۵$)، اما در نسل میان‌سال این تفاوت معنی‌دار است و زنان کمتر به ارزش‌های سنتی ازدواج تأکید می‌کنند ($t=۱۸/۸۰, p < ۰/۰۵$). به لحاظ بیشترین رسانه‌ی مورد استفاده در نسل جوان و میان‌سال، کمترین نمره از آن افرادی است که رادیو گوش می‌کنند. این گروه از افراد به ارزش‌های سنتی ازدواج بیش از سایرین تأکید دارند. در مقابل استفاده از ماهواره در نسل میان‌سال میانگین شاخص را افزایش چشمگیری داده است.

جدول ۵- آزمون اختلاف میانگین ارزش ازدواج بر اساس جنس، محل تولد و نوع رسانه

نسل بزرگسال			نسل میانسال			نسل جوان			طبقات	متغیرهای مستقل
معنی داری	مقدار آزمون	میانگین	معنی داری	مقدار آزمون	میانگین	معنی داری	مقدار آزمون	میانگین		
۰/۴۸۱	۰/۵۰۶	۱۵/۱۶	۰/۰۰۰	۱۸/۸۰	۱۵/۸۱	۰/۰۵۹	۳/۶۱	۱۶/۹۷	مرد	جنس
		۱۵/۸۶			۱۸/۴۰			۱۸/۵۵	زن	
۰/۱۶۱	۲/۰۴۲	۱۴/۸۰	۰/۸۰۴	۰/۰۶۲	۱۷/۲۲	۰/۳۶۲	۰/۸۳۷	۱۷/۸۱	شهر	محل تولد
		۱۵/۶۶			۱۶/۹۱			۱۷/۳۶	روستا	
۰/۶۹۲	۰/۳۷۱	۱۵/۶۸	۰/۰۰۱	۵/۰۳۹	۱۶/۹۲	۰/۰۰۲	۴/۵۶	۱۷/۹۶	تلویزیون	نوع رسانه
		۱۵			۱۵/۷۳			۱۳/۶۰	راديو	
		-			۱۸/۸۴			۱۷/۵۳	اینترنت	
		-			۲۲/۶۰			۱۸/۷۵	ماهواره	
		۱۶			۱۶/۳۸			۱۹/۲۰	مطبوعات	

نتایج حاصل از آزمون همبستگی پیرسون در مورد رابطه‌ی آماری بین ارزش ازدواج و متغیرهای تقید به مناسک دینی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مدت اقامت در شهر نیز حاکی از آن است که رابطه‌ی مدت اقامت در شهر و ارزش ازدواج در نسل جوان و میانسال معنی‌دار است. همچنین ارزش ازدواج بر حسب مدت اقامت در شهر متفاوت است، به طوری که می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان و سطح خطای کمتر از ۱ درصد وجود رابطه‌ی منفی بین این دو متغیر را تأیید کرد، اما در نسل بزرگسال مدت اقامت در شهر تأثیری در ارزش ازدواج ندارد. ارتباط تقید به مناسک دینی و ارزش ازدواج در نسل جوان معنی‌دار نیست. در مقابل در نسل میانسال و بزرگسال این رابطه معنی‌دار است و با بالا رفتن تقید افراد به مناسک دینی بیشتر بر ارزش‌های سنتی ازدواج تأکید می‌شود.

جدول (۶). همبستگی ارزش ازدواج با متغیرهای تقید به مناسک دینی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مدت اقامت در شهر

نسل بزرگسال		نسل میانسال		نسل جوان		متغیرهای مستقل
معنی‌داری	مقدار آزمون	معنی‌داری	مقدار آزمون	معنی‌داری	مقدار آزمون	
۰/۰۱	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	۰/۳۴۶	۰/۷۴۱	۰/۰۲۶	تقید به مناسک دینی
۰/۷۵۴	۰/۰۵۰	۰/۵۷۰	۰/۰۴۵	۰/۰۷۳	۰/۱۴۱	پایگاه اقتصادی و اجتماعی
۰/۲۷۹	۰/۱۷۳	۰/۰۲۷	۰/۱۷۳	۰/۰۵	۰/۱۴۸	مدت اقامت در شهر

سؤال دیگر این است که آیا تفاوت‌های نسلی در نگرش مدرن به ازدواج در حضور متغیرهای اقتصادی - اجتماعی اثرگذار دیگر نیز پابرجاست یا نسل، تأثیر معنادار خود را در مقابل متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از دست می‌دهد؟ از آنجا که مطالعات پیشین تأثیر فاکتورهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در نگرش به ازدواج تأیید کرده است، در رگرسیون به کار گرفته شده متغیرهای جنس، استفاده از رسانه‌های مدرن، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مدت اقامت در شهر، جنس و تقید به مناسک دینی نیز مدنظر هستند. جدول شماره ۷ نتایج مربوط به مدل‌های چند متغیره در مورد ارزش ازدواج را نشان می‌دهد.

جدول (۷). تحلیل چند متغیره تعیین کننده‌های ارزش ازدواج

متغیر	B	SES	Beta	t	p
جنس	۱/۸۵۵	۰/۳۱۱	۰/۲۹۶	۵/۹۷۱	۰/۰۰۰
نسل	-۰/۹۳۱	۰/۳۹۲	-۰/۱۹۹	-۲/۳۷۵	۰/۰۱۸
تقید به مناسک دینی	۰/۱۴۶	۰/۰۵۰	-۰/۱۵۴	-۲/۸۹۶	۰/۰۰۴
استفاده از ماهواره و اینترنت	-۰/۷۷۹	۰/۳۹۶	۰/۱۰۵	۱/۹۶۸	۰/۰۵۰

R=۰/۴۰۰ R²=۰/۱۶۰ Adjusted R²=۰/۱۴۶ F=۱۱/۳۸ Sig=۰/۰۰۰

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان داد از میان متغیرهای وارد شده در مدل چند متغیره، متغیرهای جنس، استفاده از ماهواره و اینترنت و تقید به مناسک دینی در ارزش ازدواج تأثیر معناداری داشته است و متغیر نسل در حضور این متغیرها همچنان معنادار است. در اینجا مردان به عنوان گروه مرجع در نظر گرفته شده‌اند، بدین معنی که زنان نسبت به مردان جهت‌گیری مدرن‌تری به ازدواج دارند. همچنین پاسخ‌گویی که ماهواره و اینترنت اصلی‌ترین رسانه‌ی مورد استفاده‌ی آنهاست، جهت‌گیری مدرن‌تری به ازدواج دارند، یعنی با افزایش یک انحراف معیار در استفاده از ماهواره و اینترنت، جهت‌گیری مدرن به ازدواج به اندازه‌ی ۰/۱۰۵ انحراف معیار افزایش خواهد یافت. متغیر تقید به مناسک دینی با ضریب بتای ۰/۱۵۴، تأثیر معکوسی در ارزش ازدواج دارد، یعنی با افزایش یک انحراف معیار در تقید به مناسک دینی، جهت‌گیری مدرن به ازدواج به اندازه ۰/۱۵۴ انحراف معیار کاهش خواهد یافت. همچنین مقدار R^2 تعدیل شده برابر با ۰/۱۴۶ نشان می‌دهد ۱۴/۶ درصد از تغییرات ارزش ازدواج ناشی از متغیرهای نسل، استفاده از اینترنت و ماهواره جنس و تقید به مناسک دینی است.

بحث و نتیجه‌گیری

۸۰

نتایج نشان داد که تفاوت آماری معنی‌داری بین ارزش ازدواج در بین سه نسل جوان، میان‌سال و بزرگ‌سال وجود دارد. کمترین نمره‌ی ارزش ازدواج را نسل بزرگ‌سال و بیشترین نمره را نسل جوان کسب کرد. بدین معنا که نسل جوان کمتر از نسل بزرگ‌سال به ارزش‌های سنتی تأکید دارد، البته نمره‌ی شاخص ارزش ازدواج در هر سه نسل در سطح متوسط قرار دارد. از این رو در این مطالعه تضاد نسلی در ارزش‌های ازدواج تأیید نمی‌شود، بلکه ترکیبی از ارزش‌های سنتی و مدرن در ازدواج در هر سه نسل مشاهده می‌شود. البته در برخی از ابعاد نسل جوان با نسل‌های بزرگ‌تر تفاوت‌های ارزشی دارد. نکته‌ی مهم این است که بیشترین تفاوت نسلی در ارزش‌های ازدواج مربوط به گویه‌های معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج و سپس ازدواج با اقوام نزدیک است. بیش از ۸۰ درصد از نسل جوان با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج موافق‌اند، درحالی‌که در نسل بزرگ‌سال ۱۷ درصد با معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج موافق بودند. در واقع به نظر می‌رسد نسل جوان به ارزش‌های مدرن ازدواج تمایل بیشتری داشته و به دست‌یابی به شناخت و آگاهی جوانان در شرف ازدواج تأکید زیادی دارند. این یافته با مطالعات پیشین همچون مطالعه‌ی بوالهروی و همکاران و مطالعه‌ی کاظمی‌پور (۱۳۸۸) هم‌خوانی دارد. کاظمی‌پور در مطالعه‌ی خود نشان داد، بسیاری از جوانان مجرد علاقه‌مند بودند که همسر خود را از طریق عشق، علاقه و دوستی انتخاب کنند و اعتقاد کمتری به انتخاب همسر از طریق والدین اقوام و یا سایرین داشته‌اند.

یافته‌های این مطالعه نشان داد، تنها ۷ درصد از نسل جوان با ازدواج با اقوام نزدیک موافق بودند، در حالی که این عدد در نسل بزرگسال حدود ۶۰ درصد بوده است. موافقت کمتر نسل جوان با ازدواج با اقوام نزدیک نیز قابل درک است. در نسل جوان که هم تحصیلات بالاتری دارد و هم از رسانه‌های مدرن بیشتر استفاده می‌کند، آگاهی در مورد پیامدهای سلامتی ازدواج با خویشاوندان نزدیک بالاتر است. با این حال در سایر ابعاد به ویژه اهمیت رضایت پدر و مادر در ازدواج، پایین بودن سن دختر از پسر و مخالفت با خواستگاری دختر از پسر دیدگاه هر سه نسل به یکدیگر نزدیک و تفاوت‌ها اندک است.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی عوامل مؤثر در ارزش ازدواج نشان داد، متغیر نسل به همراه جنس، نوع رسانه و تقید به مناسک دینی رابطه‌ی معنی‌داری با ارزش ازدواج دارد. بنابراین نظریه‌ی رایژمن درباره‌ی تأثیر رسانه‌ها در ارزش ازدواج تأیید شد و استفاده از ماهواره و اینترنت تأثیر مثبت و معنی‌داری در ارزش ازدواج داشته است. بدین معنا که هر چه استفاده از ماهواره و اینترنت بیشتر می‌شود، ارزش‌های مدرن به ازدواج نیز بیشتر می‌شود. نکته‌ی دیگر این است که رابطه‌ی بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و مدت اقامت در شهر با ارزش ازدواج تأیید نشد. در مقابل، تقید بیشتر به مناسک دینی به اهمیت کمتر ارزش‌های مدرن ازدواج منجر می‌شود. این یافته‌ی مهمی است و نقش عوامل فرهنگی و دینداری بر ارزش ازدواج را نشان می‌دهد. دین اسلام بر تشکیل خانواده و ازدواج تأکید زیادی دارد. این ارزش‌ها از طریق آموزه‌های خاصی درباره‌ی نقش همسران در ازدواج، نحوه‌ی ازدواج و در نهایت اهمیت و ارزش ازدواج تأثیر می‌گذارد.

در مجموع یافته‌های این تحقیق از چند جهت حائز اهمیت است؛ اول اینکه، ازدواج در جامعه‌ی ایران مهم و ارزشمند است و تغییرات و تفاوت‌های نسلی در این حوزه بیشتر در ابعادی بوده که به افزایش ازدواج‌های عقلانی و جلوگیری از آسیب‌های ناشی از ازدواج نامناسب کمک می‌کند. دوم تأثیر تقید به مناسک دینی است که با افزایش آن جهت‌گیری مدرن به ازدواج کم می‌شود. بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان با رواج و اشاعه‌ی آموزه‌های دینی اهمیت ازدواج و تمایل جوانان برای تشکیل خانواده را حفظ و چه بسا بیشتر کرد. نکته‌ی سوم در خصوص چالش‌های اساسی حوزه‌ی ازدواج است. بر اساس شاخص ارزش ازدواج به دست آمده در این مطالعه به نظر می‌رسد، دو چالش اساسی ازدواج یعنی تأخیر در ازدواج و افزایش میزان طلاق در جامعه کمتر ناشی از تنزل ارزش ازدواج در جامعه است و سایر عوامل اقتصادی - اجتماعی در این زمینه اهمیت بیشتری دارد. با توجه به اهمیت تشکیل و حفظ خانواده در زندگی فردی و اجتماعی جامعه‌ی ایران و تأکید مکرر آموزه‌های دینی و مذهبی، ازدواج در بین نسل‌های مختلف ارزش دارد. تغییراتی نیز که در این حوزه اتفاق افتاده، معلول تغییرات ساختاری جامعه ماست؛ لذا چنانچه با اتخاذ سیاست‌های

حمایتی، تسهیلاتی - به ویژه در حوزه‌ی اشتغال و مسکن - برای خانواده‌ها از جمله نسل جوان ارائه شود، تمایل و گرایش جوانان به ازدواج افزایش می‌یابد. در این حوزه پیشنهاد‌های متعدد مطالعاتی وجود دارد. نبود امنیت شغلی و نامطمئن بودن از آینده از جمله دلایل اساسی تأخیر ازدواج است. تحقیقات بعدی می‌توانند شواهد تجربی از این ارتباط را فراهم کنند. همچنین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده با انجام دادن مطالعات کیفی و مصاحبه‌ی عمیق با جوانانی که در سن ازدواج هستند، عوامل مؤثر در ارزش و تمایل ازدواج بهتر شناسایی می‌شوند. نتایج این مطالعات می‌تواند در طراحی پیمایش‌های کلان و ملی درباره‌ی ازدواج مؤثر واقع شوند.

منابع

- ◀ آزادارمکی، تقی، ۱۳۸۶. *جامعه‌شناسی خانواده‌های ایرانی*، تهران، انتشارات سمت.
- ◀ آزادارمکی، تقی و غلامرضا غفاری ۱۳۸۳. *جامعه‌شناسی نسلی در ایران*. تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- ◀ اینگلهارت، رونالد ۱۳۷۳. *تحول فرهنگی در جوامع صنعتی*. ترجمه‌ی مریم وتر، تهران، کویر.
- ◀ بوالهروی، جعفر، مجتبی احسان منش و عیسی کریمی کیسمی. «بررسی نگرش دانشجویان مجرد رشته پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران در مورد ازدواج». *اندیشه و رفتار*، ش ۵، (۱۳۸۷).
- ◀ جمشیدیها، غلامرضا، سهیلا صادقی فسائی و منصوره لولآور. «نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران»، *زن در فرهنگ و هنر*، ش ۲، (۱۳۹۲).
- ◀ رازقی نصرآباد، حجه بی بی ۱۳۹۳. *بررسی رفتارهای ازدواج و باروری زنان حداقل یکبار ازدواج کرده ۴۹-۱۵ ساله در استان سمنان*، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور
- ◀ رازقی نصرآباد، حجه بی بی و حسن سرایی. «تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان» *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۲ ش ۱. (۱۳۹۳).
- ◀ ساروخانی، باقر ۱۳۷۵. *جامعه‌شناسی ارتباطات*. تهران، اطلاعات.
- ◀ ساروخانی باقر و مجتبی صدقاتی فرد. «شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها». پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، ش ۴، (۱۳۸۸).
- ◀ سرایی، حسن. «گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۳، ش ۶، (۱۳۸۷).
- ◀ _____ «تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران»، *نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال ۲، ش ۲، (۱۳۸۵).
- ◀ سرایی، حسن و سجاد او جاقلو. «مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی: زنان شهر زنجان»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*. سال ۵، ش ۶، (۱۳۹۲).

- ◀ عباسی شوازی، محمد جلال و عباس عسکری ندوشن. «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران، مطالعه موردی یزد»، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۵، (۱۳۸۴).
- ◀ عسکری ندوشن، عباس، عباسی شوازی، محمد جلال و رسول صادقی. «مادران، دختران و ازدواج (تفاوت‌های نسلی در ایده‌ها و نگرش‌های ازدواج در شهر یزد)»، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۱، ش ۴۴ (۱۳۸۸).
- ◀ عباسی شوازی محمد جلال و رسول صادقی، «قومیت و الگوهای ازدواج در ایران»، پژوهش زنان، دوره ۳، ش ۱ (۱۳۸۴).
- ◀ کاظمی‌پور، شهلا. «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج و شناخت آثار و پیامدهای آن»، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، سال ۱۳، ش ۲، (۱۳۸۸).
- ◀ کسل، فیلیپ ۱۳۸۴. چکیده آثار آنتونی گیدنز، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران، ققنوس.
- ◀ گیدنز، آنتونی ۱۳۸۰. مقدمه‌ای بر تحلیل نهادین مدرنیته و مدرنیسم، ترجمه‌ی حسینعلی نوذری، تهران، نقش جهان.
- ◀ لاور، رابرت ۱۳۷۳. دیدگاه‌هایی درباره دگرگونی اجتماعی، ترجمه‌ی کاووس سیدامامی، تهران، دانشگاهی.
- ◀ نقیبی، ابوالحسن و مهرانه حمیدی. «سنجش نگرش جوانان نسبت به ازدواج در شهرستان قائمشهر»، مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ش ۱۳۱، (۱۳۹۴).
- ◀ یوسفی، نریمان ۱۳۸۳. شکاف بین نسل‌ها، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- Chow, N. & E. Lum, (2008). "Trends in family attitudes & values in Hong Kong". *Final Report Submitted, The University of Hong Kong* (2008).
- Good W J "World revelation and family patterns." New York: Free Press. (1963).
- Inglehart, Ronald."Globalization & Postmodern Values". *The Washington Quarterly*. 23: 1; (2000).
- Ravanera, R. Z., H. Y. Lee, F. Rajulton & B.Y Cho Source, "Should a Second Demographic Transition Follow the First? Demographic Contrasts: Canada & South Korea", *Social Indicators Research*, 47(1), (1999).
- Thornton. Arland; Axinn. William G.; Hill. Daniel H. "Reciprocal Effects of Religiosity, Cohabitation & Marriage". *American Journal of Sociology*; 98 (3), (1992).

- Van de Kaa, D. J. “Anchored Narratives: The Story & Findings of Half a Century of Research into the Determinants of Fertility”, *Population Studies*, 50 (3), (1996)